

هفتاد و نه

په زنان مبارز ایران

قصاص می‌شوند.

توضیح: فرزند ملک خصوصی بدروجه‌پذیری است. اما عمداً "فرزند یا نوه خودرا کشت، به مال خود صدقه زده است. البته برای جلوگیری از این عمل شدید تهدیداتی از قبیل "تغزیر حاکم شرع" و "پرداخت خونیه به ورشه" (که خود او نیز جزء آنان است) منظور شده است. اما قانون غراترا این درامه داخلی "ولی" و "مالک" دخالت نمی‌کند. درامه مورد حتی مادر فرزند مرده نیز حق تقاضا قصاص ندارد. جانی آزاد است تا اگر او را خوش آمده با رانیکو دست خود را به خونیه دیگری آلوده کند.

ماده ۳۳: قتل عمد فقط با شهادت دو مسلمین عادل ثابت می‌شود.

توضیح: اگر در محلی که تنها زنان در آن تجمع رفت و آمد دارند (مانند دبیرستان دخترانه‌ها، کارخانه‌های که شاغلین آن زن هستند، حمام زنان و غیره) قتلی اتفاق بیافتد، و قاتل مایل به اقرار نباشد، این قتل هرگز ثابت نمی‌شود. دهنها و بلکه هزاران جفت چشمی که ناظر عمل قتل بوده‌اند، در به شهادت رساندن آن نقشی ندارند. هنگامیکه نظراتی با "قضاوت" زنان مخالف می‌ورزیدند استدلال این بود که زنان "احساساتی هستند برخی هم در لفافه به "ناقص العقل" بودن زن اشاره می‌کردند. باید دید استدلال در مورد عدم پذیرش مطلق شهادت زنان (حتی با حسب شهادتی با شهادت یا ده زن) چیست؟

ماده ۳۲: قتل عمد در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً "مسئول کشتن نباشد. پس اگر کسی مسئول قتل باشد مانند کسی که به بیایا سزاگرم (در بیایا اظهار (ع) یا حضرت زهرا (ع) دشنام دهد یا کسی که به حریم انسان تجاوز نموده و دفع آن جز با قتل مجرب نشود یا آنکه شوهر کسی را در حال زنا با زن خود ببیند که کشتن هر دوی آنها برای (خصوصاً) شوهر جایز است و در همه این موارد قصاص قاتل جایز نیست.

زنان مبارز و شجاع که چنین پیروز شدند و سرفراز از آزمایش این انقلاب می‌روان آمده‌اند. زنان مبارزی که پس از دوران طولانی اختناق، دوران آزادی‌های درویش، دوران تظاهر به برابری زن و مرد، به خود وعده آزادی راستین، رهاشوار قبود امپریالیسم و بر خورنداری از کلیه حقوق انسانی و احترام اجتماعی می‌دادید:

"شورای عالی قضائی" جمهوری اسلامی ایران لایحه جدیدی در مورد "قصاص و مقررات آن" برای تصویب در مجلس شورای اسلامی تدارک دیده است، که برخی از مواد این لایحه برای اطلاع شما بازگستر می‌گردد.

ماده ۳۱: هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد، محکوم به قصاص است. لیکن با بینه ولی زن قاتل از قصاص منع دین (خونیه) مرد را به او بپردازد.

توضیح: جان زن در این لایحه به اندازه جان "نیم انسان" ارزش دارد. بنابراین قاتل تنها هنگامی مستحق مجازات است که ولی زن نفع قیمت یک انسان کامل را به قاتل بپردازد. در کجای دنیا دیده شده است خانواده مقتول بیگناهی را که به عمد به قتل رسیده است و اداریه پرداخت وجهه قاتل فرزند خود بنمایند؟ چنانچه قتل در یکی از بیشمار خانواده‌هایی که بر اثر حاکمیت اولاد سوسی امپریالیسم و وابستگی در فقر کامل سر می‌پسرد اتفاق افتد تکلیف چیست؟

آیا ده‌ها هزار شهید، صدها هزار مجروح و خانواده داغدار، برای این بوده است که امروز قانونی گذرانده شود که انسانی به "جرم" زن مسروبن "نیم انسان" محسوب شود و خانواده‌ای به "جرم" فقر قادر به مجازات قاتل فرزند خود نباشد؟

ماده ۱۶: هرگاه برابری پذیرد فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود، بلکه باید دین (خونیه) قتل را به ورشه مقتول بدهد و حاکم شرع او را تغزیر بنماید و غیر بدروجه‌پذیری مانند دیگران

در تمبره این ماده آمده است که : " ... در همه موارد بالا اگر علیه قاتل اقامه دعوی شود باید جرمی را که به استناد آن مقتول را کشته طبعی موازین در دادگاه اثبات کند وگرنه قصاص خواهد شد."

با اینهمه این ماده دست اشخاص را برای قتل عمد و فرار از مجازات باز می‌گذارد. چه کسی می‌تواند ثابت کند آخرین جمله‌ای که مقتول بسه زبان آورده است دشنام به پیامبر اکرم (ص) بسوده است یا خیر. چه کسی می‌تواند ثابت کند که زن و مردی که به قتل رسیده‌اند زناکار بوده‌اند؟

ماده ۴ : " اگر آگاه مجوز قتل نیست بنابراین اگر کسی را وادار به قتل کنند نباید مرتکب شود اگر مرتکب شد قصاص می‌شود و اگر آگاه کننده نیز به حبس ابد محکوم است."

توضیح : چنانچه فرماندهی در یک تظا... خیابانی به سربازان خود دستور کشیدن رگبار را به سوی تظاهرکنندگان بدهد، سرباز قصاص می‌شود، فرمانده به حبس ابد محکوم می‌گردد.

ماده ۱۸ : " هرگاه عاقل دیوانه‌ای را بکشد قصاص نمی‌شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد."

توضیح : این ماده امکان سوء استفاده‌های فراوان را در اختیار می‌گذارد. قاتل می‌تواند به بهانه " جنون " مقتول از زیر بار مجازات شانه خالی کند، خدمه تیمارستان ها و پزشکان امکان آزار بیماران روانی تا سرحد قتل ، و آزمایشهای مرگ آور بر روی بیماران روانی را پیدا می‌کنند. یک بیمار روانی انسانی است بیمار. قانونگذار باید مقرراتی خاص جهت پشتیبانی او وضع کند، نه اینکه دست همگان را حتی برای قتل وی آزاد بگذارد.

افاضه بر مواردی که ذکر شد، در این لایحه قتل نفس یک جرم عمومی محسوب نمی‌شود:

ماده ۲۶ : " مدعی علیه باید معلوم باشد، پس اگر کسی بگوید " شخصی پدر مرا کشته است " این دعوی مسووع نیست مگر آن که در بین عده‌ای محصور

کند به اینکه بگوید یکی از این دو یاسه نفر مثلاً قاتل پدرم هستند در این صورت دعوی مسووع است. توضیح : اگر کسی پدرش را در محل خلوتی به قتل رساند شما نمی‌توانید از دولت یا مجریان اصرار بخواهید که قاتل او را پیدا کرده و به کیفر فرستاده برسانند. با پیدا خود شما تحقیق کنید، قاتل را پیدا کنید و به مقامات قضائی معرفی کنید تا به شکایت شما رسیدگی شود.

با مطالعه بیشتر این پیش نویس به حقیقت دیگر نیز دست پیدا می‌کنیم ، و آن اینکه کسانی که امکانات مالی دارند می‌توانند با حصول رغبت از ورثه مقتول از شروع مجازاتی در امان باشند اما طبقات تهیدست که قادرند پرداخت دیه (خونبها) و جلب رضایت کسان مقتول نیستند باید به مکافات قصاص تن در دهند و بچیرند و اگر کسان شایسته مورد قتل واقع شوند، با دریافت پولی از شکایه خود صرف نظر نمایند!

این است راهی که " شورای عالی قضائی " برای حمایت از " مستضعفین " در نظر گرفته است!

مابه حکم وظیفه‌ای که در قبالت تمامی نسلها، حال و آینده این سرزمین برای خود می‌شناسیم کلیه زنان آگاه و رزمنده هشدار می‌دهیم که نگذارند شرایط فوق العاده و تحمیلی زمان جنگ و عداوت وجود فضای باز سیاسی برای برخورد فعالانه آنان را نسبت به لایحه تهیه شده که بهر حال سرنوشت زندگی اجتماعی آنان را تعیین می‌کند؛ باید در خدمت احقاق حقوق آنان و در جهت منافع توده‌های ستمدیده باشد، در " جبهه نفع‌سال ؛ بی‌تفاوتی " تصویب و اجرا شود.

مابه تمام مردم این سرزمین بخصوص زنان هشدار می‌دهیم که لایحه جدید " جزا " (قصاص و مقررات آن) غیر انسانی است و با تبعیضات شدید جنسی با اعمال کردن حقوق طبقات فرودست و کم درآمد همواء است. نباید با آن به مقابله برخاستد مانع تصویب آن در شکل کنونی گردید.

اتحاد ملی زنان